

نظامی‌گری و سیاست

۲- در فرهنگ سیاسی، دولت مدنی به دولتی اطلاق می‌شود که در آن سیاست‌مداران نقش اصلی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارند. دولتمرد کسی است که فرایند مشخصی در سطوح مختلف اداره کشور را پشت سر گذاشته و از علم و تجربه و دیوان‌سالاری برخوردار است. همان‌گونه که یک فرد نظامی با آموزش فنون نظامی‌گری، مشق جنگ و گذراندن دوره‌های مختلف بر تعداد ستاره‌های خود می‌افزاید، سیاست‌مداران نیز پس از گذراندن تحصیلات آکادمیک، مدیریت سیاسی را از نهادهای وزارتخانه‌های مختلف مشق می‌کنند تا از تجربه و کارایی لازم برای برکنی مناصب بالاتر برخوردار شوند. در کشورهایی که حکمرانی به شیوه دموکراتیک است، به دلیل ساختارهای قانونی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی، مشارکت در قدرت تابع سازوکار مستحکمی است که در سالیان متمادی قوام یافته و نهایتاً به «وفاق جمعی» در قالب قوانین مدون تبدیل شده است. در این جوامع تمایلات اشخاص (شهروندان)، رفتار سیاست‌مداران و منافع گروه‌ها و احزاب تابع قانون است. در نظام‌های مدنی بازتولید نهادهای غیردموکراتیک به دلیل موانع قانونی و ساختارهای تکامل‌یافته سیاسی و اعتماد متقابل حکومت و مردم عملاً ناممکن می‌شود. قانون حاکم بر رفتار و عملکرد مسئولان حکومتی در مقابل ملت است. مردم نیز آموخته‌اند که با اعتماد به حاکمان برخاسته از آرای خود به قانون احترام بگذارند.

۳- در کشورهای جهان سوم که نهادهای مدنی با وجود ندارد یا از قوام مستحکمی برخوردار نیست، به طور طبیعی قانون ابزاری در دست صاحبان قدرت است. در این‌گونه جوامع نظامیان برای سازمان نظامی، تشکیلاتی منسجم و منضبط خود جایگاهی فراتر از قانون قائل بوده و اگر چه نمی‌توان آن را در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی برشمرد ولی ویژگی‌های سازمانی مانند نظم، انضباط، سلسله‌مراتب، ارتباطات، آموزش و توان برخورداری از اسلحه‌های ممتد آن‌ان را موقعیتی قرار می‌دهد که در صورت تمایل به حضور در عرصه سیاسی یکی از گروه‌های ذی‌نفوذ در مقایسه با دیگر نهادهای رسمی محسوب شوند. این مسئله در کشورهایی که نظامیان نقش برجسته‌تری در مبارزات ضد استعماری یا جنگ‌های ملی- میهنی داشته‌اند، از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. رئیس‌جمهوری که از میان نظامیان برخاسته و با پوشیدن لباس مدنی قدرت را به دست می‌گیرد به دلیل خوی و روحیه نظامی‌گری، تعلقات سازمانی و رسالتی که برای خود و سازمانش برای نجات کشور احساس می‌کند عملاً گردش قدرت را از فرایند دموکراتیک خارج می‌کند. بحران‌های اجتماعی، انسداد سیاسی و انفعال بی‌هویت‌شدن نخبگان از ویژگی‌های نظامی- سیاسی است که نظامیان ولو با توسل به رأی مردم به قدرت رسیده‌اند. در چنین شرایطی، قانون دستاویزی در دست کسانی است که براساس صلاحدید و منافع قدرت حاکم آن را تفسیر می‌کنند.

۴- در کشورهای توسعه‌یافته، اما وجود احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، صنفی و دیگر نهادهای مدنی، مشارکت در قدرت تابع سازوکار شفاف و کارآمدی است که در سالیان طولانی قوام یافته و به وفاقی جمعی در قالب قوانین تبدیل شده است. در این جوامع گردش قدرت به میزان توانمندی احزاب در اقع افکار عمومی از طریق ارائه برنامه‌هایی که متضمن تأمین مطالبات مردم است، صورت می‌گیرد. برخورداری از قوانین شفاف و سازوکار رقابتی برای کسب سهمی از قدرت، در کنار فعالیت آزاد احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد مدنی، احزاب و گروه‌های اجتماعی را به پذیرش نقش و جایگاه خود در مشارکت سیاسی و تقسیم قدرت وادار کرده است. پذیرش نقش اجتماعی و جایگاه تعریف‌شده و قانونمند افراد و گروه‌ها در تقسیم قدرت سیاسی مانع محکمی در مقابل رفتارهای قانون‌گریز فردی به نقش‌آفرینی و سازوکار نیرومندی برای مهار تمایلات نظامیان به نقش‌آفرینی در عرصه سیاسی است.

۵- درخصوص انگیزه ورود نظامیان به سیاست نظریات متفاوتی از سوی جامعه‌شناسان و علمای علم سیاست بیان شده است. به طور اجمال می‌توان مواردی همچون احساس وظیفه ملی و میهنی (نوعا برای نجات کشور از بحران)، منافع سازمانی و جاه‌طلبی‌های شخصی را در زمره آن برشمرد. مطالعه موردی (case study) در کشورها و مناطق مختلف جهان مانند ایران (رضاخان)، مصر (ژنرال هواری بومدن)، شیلی (ژنرال پینوشه)، ونزوئلا (هوگو چاوز) ...، علی‌نشد نشان می‌دهد که حتی در صورت غلبه عناصر ملی و سازمانی، جاه‌طلبی‌های شخصی انگیزه‌ای نیرومند در میان برخی از نظامیان برای ورود به عرصه سیاسی است. چنانچه گفته شد این پدیده بیشتر مختص جوامعی است که سازوکار تغییرات اجتماعی و گردش قدرت از طرق دموکراتیک یا در آنها وجود ندارد یا در صورت برخورداری از این نهادهای، هژمونی قدرت، کارکرد دموکراتیک آنها را به حداقل ممکن کاهش داده است. درباره تقسیم‌بندی نوع دخالت و نقش آفرینی نظامیان در سیاست نیز سطوح مختلفی قابل ذکر است که طیفی از حکومت بلامنزاع نظامیان (Military Government) در اشکال مختلف تا حکومت نظامیان ملبس به لباس مدنی (Civilian Military Government) قابل بررسی است.

ادامه در صفحه ۷

شرق: رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه در حالی روز گذشته میهمان رئیس مجلس در بهارستان بودند که مهم‌ترین مسئله این روزهای کشور، بودجه ۱۴۰۰ است که از سوی دولت به مجلس ارائه شده و تا اینجا کار نمایندگان روی خوشی به آن نشان نداده‌اند. پس از پایان این نشست حسن روحانی گفت که بی‌اثرکردن تحریم‌ها و شکستن آن، لایحه بودجه ۱۴۰۰ و واکسن کرونا، سه محوری بود که سران قوا درباره آن گفت‌وگو کرده‌اند. او همچنین گفت که آنها در هر سه مورد اتفاق نظر داشته‌اند و نسبت به شیوه‌ها هم نظراتشان نزدیک به یکدیگر است.

تیم‌های اقتصادی دولت و مجلس درباره بودجه گفت‌وگومی‌کنند
به گزارش ایسنا، رئیس‌جمهور گفت: «در این روزهای پایانی سال ۲۰۲۰ به مردم عزیز ایران می‌گویم که دو تا ۲۰، در سالی که تمام می‌شود ملت ما کسب کرده است. البته دولت نتوانسته نمره ۲۰ بیارود ولی ملت ما هم در مقاومت و ایستادگی در برابر جنگ اقتصادی و تحریم‌های ضدبشری و ضدانسانی آمریکا و هم در برابر ویروس کرونا نمره ۲۰ کسب کرده است و بحدالله مردم با ایستادگی، هماهنگی و با اجرای پروتکل‌های بهداشتی، موفقیت‌های بزرگی را به دست آوردند». روحانی با اشاره به موضوع بی‌اثرکردن تحریم‌ها به‌عنوان یکی از محورهای گفت‌وگوهای سران قوا، عنوان کرد: «همان‌طوری که رهبری معظم فرمودند اولین کار ما باید بی‌اثرکردن تحریم‌های غیرانسانی و غیربشری باشد که در این زمینه گفت‌وگوهای خوبی داشتیم و در مورد شیوه‌ها و گام‌هایی که باید برداریم، نظرات مشابه است و اتفاق نظر داریم».

او افزود: «در مورد لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ که به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده نیز در مورد اینکه مجلس و دولت در چه مواردی می‌توانند همکاری کنند و اصلاحات احتمالی که می‌توانند در لایحه انجام دهند بحث کردیم و بنا شد تیم‌های اقتصادی دولت و مجلس در این زمینه بحث و گفت‌وگو کنند».

رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به موضوع واکسن کرونا به عنوان سومین موضوع مطرح‌شده در جلسه سران قوا، گفت: «متأسفانه درمورد واکسن کرونا دوقطبی و بحث‌هایی در جامعه وجود دارد که سازنده، درست و مفید نیست. ما از چند طریق به دنبال تهیه واکسن کرونا هستیم. مسیر اول تولید واکسن داخلی است که در این رابطه دو مؤسسه بزرگ و یک شرکت دانش‌بنیان در حال فعالیت هستند و امیدواریم موفقیت کامل را به دست آورند».

۸ دی ۱۲۸۵ بود که با امضای مظفرالدین شاه قاجار قانون اساسی مشروطه رسمیت یافت و آن قانون تا سال ۱۵۷۲ اجرا می‌شد. قانون اساسی مشروطه از آن جهت بسیار مهم است که توانست در نهایت اختیارات شاه را محدود کند و زمینه ایجاد دموکراتیک‌شدن حاکمیت سیاسی در ایران را فراهم کند؛ امری که البته پس از هزینیه‌های بسیار روشنفکران و مردم ایران محقق شد. توجه مجلس مشروطه‌خواه وقت به مقولات آزادی، عدالت و برابری و محدودشدن دایره قدرت شاه، به دگرگونی شگرفی در الگوی سیاسی و اجتماعی ایران در نخستین سال‌های سده بیستم انجامید. در این سال‌ها، هم مجلس ششورا و هم مطبوعات از حقوق بی‌سابقه‌ای برخوردار شده بودند و در نتیجه سلسله‌مراتب قدرت سنتی در اجتماع را به چالش می‌کشیدند. چنین چالشی نه‌تنها سنت‌گرایان و محافظه‌کاران ضد مشروطه بلکه بسیاری از روحانیان مشروطه‌خواه و هوادار انقلاب را نیز دل‌نگران می‌کرد؛ برای نمونه، مجلس می‌توانست در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت می‌داند به تصویب برساند. با این همه، قانون اساسی بسیاری نکته‌ها را ناگفته و نابردارخته گذاشته بود؛ برای مثال در آن فهرست دقیقی از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان به چشم نمی‌خورد و مرز روشنی بین تکالیف و اختیارات سه قوه مقننه، اجراییه، و قضائیه دیده نمی‌شد.

متمم قانون اساسی مشروطه

در زمستان سال ۱۲۸۵ مجلس، گروهی شش نفره را برای رسیدگی به این کاستی‌ها برگزید تا به نوشتن متممی بر قانون اساسی بپردازند. هریک از اعضای این گروه باید با یک زبان خارجی آشنا باشد تا بتوانند از قوانین اساسی دیگر کشورها در این کار بهره ببرند. سال‌ها بعد، یکی از اعضای این گروه شش نفری یعنی سیدحسن تقی‌زاده، در سخنانی در گروه آسیای مرکزی لندن تأکید کرد که او و همکارانش اصول مندرج در متمم قانون اساسی ایران را بیش از هر چیز بر قانون اساسی بلژیک نهاده‌اند. به این پرسش که چرا ایرانیان قانون اساسی بلژیک را الگو قرار دادند، این‌گونه پاسخ می‌توان گفت؛ یکی اینکه قانون اساسی عثمانی که در سال۱۸۷۶ تدوین شده و نخستین قانون اساسی خاورمیانه بود، متأثر از قانون اساسی بلژیک بود و اینکه قانون اساسی بلژیک تأثیر عمده‌ای بر توسعه سیاسی چند کشور اروپایی و هر سه کشور مهم خاورمیانه یعنی امپراتوری عثمانی، ایران و مصر داشت. نورالدین شاه که پادشاهی خوش را با شوق و شور فراوان برای دگرگونی و مدرن‌سازی نظام حکومتی آغاز کرده بود، تخت سلطنت را در حالی بدرد گفت که از اصلاحات سیاسی و اداری به هراسی مرگ‌آسا افتاده بود. چنان‌که خواهیم دید با وجود کوشش‌هایی که برای محدودکردن قدرت نهادهای مذهبی در کار شد، قانون اساسی ایران دست آخر از الگوهای عثمانی و بلغار و نه قانون اساسی بلژیک پیروی کرد و حتی با آن هر دو فراتر نهاد. دلیل دیگری که نویسندگان قانون اساسی ایران را به قانون اساسی بلژیک متمایل می‌کرد، پیوندهای تجاری و سیاسی‌ای بود که شماری از نخبگان مشروطه‌خواه ایرانی را با دولت بلژیک پیوند می‌داد. سعادالدوله که به نمایندگی دولت ایران سال‌ها در بلژیک به سر برده

سیاست

جلسه سران ۳ قوه با محوریت تحریم‌ها، واکسن کروناو بودجه ۱۴۰۰ برگزار شد

اتفاق نظر داریم



عنوان کرد و افزود: «در تلاش هستیم با همکاری یک کشور دیگر واکسن بسازیم».

او خرید واکسن از خارج را سومین اقدام دولت عنوان کرد و گفت: «برای خرید واکسن از سازمان بهداشت جهانی تحت چارچوب کوواکس اقدامات لازم انجام شد و در این حال با یکی، دو کشور دیگر هم مذاکره برای خرید واکسن تولید آنها در حال انجام است و مردم مطمئن باشند که خرید واکسن خارجی با اطمینان کامل از کیفیت آن خواهد بود». رئیس‌جمهور با بیان اینکه امیدوارم واکسن داخلی هم همه مراحل تولید را طی کرده و با اطمینان کامل در دسترس مردم قرار گیرد، افزود: مردم مطمئن باشند که مسئولان کشور سلامت آنها را به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوع مورد توجه قرار می‌دهند. دولت در ماه‌های باقی‌مانده تا پایان فعالیت خود، سلامت مردم، شکستن تحریم‌ها و معیشت مردم را با جدیت و با همکاری قوای دیگر پیگیری خواهد کرد».

برای خرید یا تولید واکسن اعتبار لازم تأمین می‌شود

رئیس مجلس هم به عنوان میزان این نشست اولویت‌های کاری قوای سه‌گانه در سال آینده را تشریح و تأکید کرد: «بحث رفع تحریم با محوریت خنثی‌سازی تحریم‌ها در دستور کار قرار دارد. مجلس تلاش می‌کند در هماهنگی با دولت بودجه‌ای را تنظیم کند که تورم‌زا نباشد و اولویت آن معیشت مردم، رسیدگی به محرومان و توجه جدی به بخش تولید باشد. موضوع تحریم با محوریت خنثی‌سازی تحریم در اولویت کار است و مبنای این کار برای رفع تحریم هم می‌تواند مؤثر باشد».

به گزارش خانه ملت، مدعب‌باصر قالیباف، افزود: «اکنون در ایام



بودجه هستیم و دولت بودجه را تقدیم مجلس کرده است. بودجه سند مالی سالانه است ولی واقعیت این است که این سند مالی در واقع سند حکمرانی است که در سیاست‌های مالی هزینه و درآمد دولت را تعیین می‌کند و در سیاست پولی زندگی مردم را رقم می‌زند. بودجه برنامه سالانه‌ای است که در راستای برنامه پنج‌ساله عمل می‌کند، سعی ما این است که بودجه با هماهنگی دولت، وزارتخانه‌های اقتصادی و کارشناسان با همکاری و همفکری تهیه شود».

او با اشاره به نشست قبلی سران قوا در ریاست‌جمهوری بیان کرد: «در آن جلسه بر روی مباحث بودجه مفصل گفت‌وگو کردیم و روی مباحثی توافق و مقرر شد با وزرا و سازمان برنامه و بودجه، بودجه‌ای بندیم که کاهش تورم، معیشت، سلامت، رسیدگی به محرومان و مستضعفان و محرومیت‌زدایی در اولویت و مورد توجه باشد. همچنین به بحث مهم تولید تأکید شد و به دنبال آن هستیم صادرات را بر واردات غلبه دهیم تا تراز عملیاتی رشد کند. به دنبال روش‌هایی هستیم که ضمن حفظ سیاست‌ها، کسری تراز عملیاتی را کاهش دهد چراکه هر چقدر کسری تراز عملیاتی بالا رود فشار بیشتری به مردم وارد خواهد شد».

قالیباف با اشاره به اینکه بحث بعدی جلسه مشترک سران قوا موضوع سلامت بوده است، تأکید کرد: اولویت ما تهیه واکسن و حمایت از آسیب‌دیدگان کروناست که می‌خواهیم در بودجه سال آینده این موارد را مد نظر قرار دهیم به طوری که اعتبار لازم برای خرید یا تولید واکسن در نظر گرفته شود. در این جلسه هماهنگی‌های خوبی صورت گرفت و جمع‌بندی شد که بودجه‌ای با حداقل تورم، درآمد واقعی و پایدار برای پیشرفت و رشد اقتصادی سال آینده داشته باشیم».

همکاری دولت و مجلس در زمینه بودجه ۱۴۰۰

رئیس قوه قضائیه نیز در پایان این نشست گفت: «سخنانی که در جلسه مطرح شد نشان از این داشت که باید همکاری بین سه قوا در جهت اجرای منویات رهبری حکیم فرزانه انقلاب اسلامی باشد که حقیقتاً راه را برای همه ما روشن کردند. امروز انسجام و وحدت قوا باید در جهت خواست مردم، اعتمادآفرینی و رضایت مردم و اجرای منویات رهبری باشد».

حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی افزود: «یقین داریم که بودجه ۱۴۰۰ هم با همکاری دولت و مجلس دنبال خواهد شد و تمامی آن مسائلی که در جلسه بیان شد، با همکاری و مساعدت‌ها، این مشکلات رفع خواهند شد».
رئیس قوه قضائیه نیز در پایان این نشست گفت: «سخنانی که در جلسه مطرح شد نشان از این داشت که باید همکاری بین سه قوا در جهت اجرای منویات رهبری حکیم فرزانه انقلاب اسلامی باشد که حقیقتاً راه را برای همه ما روشن کردند. امروز انسجام و وحدت قوا باید در جهت خواست مردم، اعتمادآفرینی و رضایت مردم و اجرای منویات رهبری باشد».

حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی افزود: «یقین داریم که بودجه ۱۴۰۰ هم با همکاری دولت و مجلس دنبال خواهد شد و تمامی آن مسائلی که در جلسه بیان شد، با همکاری و مساعدت‌ها، این مشکلات رفع خواهند شد».

فرانسه بود که خلاصه‌ای از آن در اصل شش قانون اساسی بلژیک و اصل ۱۷ قانون اساسی عثمانی و اصل ۵۷ قانون اساسی بلغارستان آمده است. در خاطر نهاد روحانیت تفاوت بین زن و مرد و مسلمان و نامسلمان نازدودنی بود، گرچه اجرakردن حکم شرعی این تفاوت‌ها در عمل سخت‌تر و سخت‌تر می‌شد. قانون اساسی مشروطه ایران در نگارش اصل‌های دیگری درباره حقوق مدنی شهروندان نیز از قانون اساسی بلژیک اقتباس کرده بود؛ از جمله در بابداشتن حق مالکیت فردی، احترام به حریم زندگی و خانه شهروندان، حق داشتن حریم خصوصی به‌ویژه در مکاتبات و حق دادخواهی از دادگاه.

محدودیت‌ها

در تنگ‌کردن دایره قدرت و اختیار شاه، قانون اساسی مشروطه ایران از قانون اساسی بلژیک، بلغارستان، عثمانی و نیز آلمان و ژاپن و روسیه پیشی می‌گرفت. مجلس شورا نهاد قانون‌گذاری بود و برابر قانون اساسی ایران بسیاری از حقوق و اختیاراتی که شاهان اروپا و امپراتوران ژاپن در انحصار خود گرفته بودند، به مجلس شورا واکذار شد. این قانون اساس حاکمیت ملی را با برسمیت‌بخشاندن شاه به‌عنوان نماینده شهروندان (و نه مالک رعیت) بنیاد می‌نهاد و در اصل ۲۶ تصریح می‌کرد: «قوای مملکت ناشی از ملت است». این قانون با تأکید بر برابری شهروندان در برابر قانون، حقوق تازه‌ای به اقلیت‌های مذهبی (خواه مسلمان سنی و خواه غیرمسلمان) می‌بخشید. اما دراین‌باره هم زبان قانون به‌صراحت زبان قوانین اساسی بلژیک و بلغارستان و عثمانی نبود. به سال ۱۲۸۹ نیز که حق رای‌دادن در انتخابات عمومی به همه مردان داده شد، از ابهام زبان قانون اساسی کاسته نشده بود.

زنان در قانون اساسی مشروطه به حقوق مهمی از جمله حق آموزش و اشتغال دست یافتند، اما بسیاری احکام و رسم‌های مردسالارانه در قالب قانون، دامنه تکاپوهای اجتماعی زنان را محدود می‌کرد. قانون انتخابات هم با دریغ‌کردن حق رای از زنان، ایشان را از مشارکت در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری سیاسی بازمی‌داشت و به‌ویژه دآوری درباره حقوق اعضای خانواده و روابط میان آنها در اختیار مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها چالشی سخت و پرمناشه برای زنان و مردان ایران خواهد بود. قانون اساسی مشروطه مذهب شیعه اثنی‌عشری را دین رسمی کشور دانست و به گروهی از مجتهدان اختیار الغای قوانین تصویب‌شده در مجلس را می‌داد که در آن زمان، مجتهدان باقی می‌نهاد. این پدیده خود نشان از آن داشت که دگرگونی در قانون خانواده و تدوین قوانین عرفی سال‌ها